

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: شرح لمعه، از طهارت تا اول صوم

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. لو جامعت صلاة الآيات الحاضرة اليوميّة ... د ۲۵۶/۱

أ. يقدم صلاة اليوميّة مطلقاً

ب. يقدم ما شاء منهما مع سعة الوقت أو مع ضيق وقتها معاً

ج. يقدم صلاة الآيات مطلقاً

د. يقدم ما كان منهما مضيقةً و لو تضيقنا معاً فالحاضرة مقدّمة

۲. لو فات المكف من الصلوة ما لم يحصه لكثرته ... ج ۲۹۲

أ. يجرى عليه الاتيان بالاكتر حتى يتيقن ببرائة ذمته

ب. يجب عليه الاتيان بالاكل اي المقدر الذي يتيقن به

ج. يجب عليه تحصيل ظن بقدر خاص و يبنى على ظنه

د. يجب القرعة لتعيين الصلوة الفائتة

۳. کدام گزینۀ غلط است؟ ب ۳۱۷/۱

أ. يشترط بلوغ الامام إلا أن يؤم مثله

ب. لا تصح الجماعة مع كون الامام أعلى من المأموم بالمعتدبه عرفاً

ج. لا تصح الجماعة مع كون الامام أعلى من المأموم بالمعتدبه عرفاً

د. تكره القراءة من المأموم خلف الامام في الجهرية التي يسمعا

۴. کدام مورد جزء نصاب در باب زکات حیوان شمردۀ نمی‌شود؟ ج ۳۴۰/۱

أ. الرّبي

ب. المريضة

ج. الأكلية

د. الهرمة

سؤالات تشریحی:

* فالماء بقول مطلق مطهر من الحدث، و هو الأثر الحاصل للمكف و شبهه عند عروض أحد أسباب الوضوء و الغسل، المانع من الصلوة، المتوقف رفعه على النية ... و ينجس الماء مطلقاً بالتغير بالنجاسة. ۵۱

۱. أ. مقصود از «بقول مطلق» و «شبهه» را بیان کنید. ب. قید «بالتغير بالنجاسة»، برای احتراز از چیست؟

أ. غرض مصنف از جمله «بقول مطلق» آب مطلق است یعنی آبی که بدون قید و اضافه‌ای بر آن آب اطلاق می‌شود، بخلاف آب مضاف که بدون قید ماء بر او اطلاق نمی‌شود مثلاً گفته می‌شود ماء الورد - مراد از «شبهه» یعنی شبیه مکلف، و آن، کسی است که شأنش مکلف بودن است ولی فعلاً مکلف نیست مثل صبی و مجنون و ... ب. قید «بالتغير بالنجاسة» برای احتراز از تغییر آب به واسطه متنجس است نه عین نجس مثل اینکه طعم آب با شیره متنجس متغیر شود.

* (و يجوز حكاية الأذان و قراءة آية الكرسي في حال التخلى) ... و اعلم أن المراد بالجواز في حكاية الأذان و ما في معناه، معناه الأعم؛ لأنه مستحب لا يستوى طرفاه. و المراد منه هنا الاستحباب؛ لأنه عبادة لا تقع إلّا راجحة و إن وقعت مكروهة، فكيف إذا انتفت الكراهة. ۸۷/۱

۲. أ. منظور از «ما في معناه» و «معناه الأعم» چیست؟ ب. عبارت «و المراد منه هنا الاستحباب لأنه عبادة ...» را توضیح دهید.

أ. منظور از «ما في معناه» همان قرائت آية الكرسي و حمد و شكري است که در معنای حکایت اذان است - مراد از «معناه الأعم» همان جواز «بالمعنى الأعم» است؛ یعنی اذن به فعل که گاهی همراه با وجوب است و گاهی با کراهت و گاهی با اباحه و گاهی با استحباب ب. و عبارت «و المراد منه هنا ...» یعنی مراد از جواز در اینجا استحباب است؛ یعنی حصول جواز به معنای عام در ضمن استحباب می‌باشد؛ زیرا حکایت اذان و مابعدش عبادت هستند و رجحان دارند حتماً.

۳. عبارت «و یصلی علی من لم یصلّ علیه یوماً و لیلۃ» را در دو حالت معلوم و مجهول بودن فعلها، معنا کنید. ۱۲۳/۱-۱۲۴

در صورت معلوم بودن: یُصَلِّی مَنْ أَرَادَ الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ هَذَا الْمَرِيدَ قَدْ صَلَّى عَلَيْهِ وَ لَوْ بَعْدَ الدَّفْنِ الْمَذْكُورَةِ، سَوَاءَ كَانَ قَدْ صَلَّى عَلَى الْمَيِّتِ أَمْ لَا
در صورت مجهول بودن: فی هذه الحالة یكون الحكم مختصاً بمیت لم یصلّ علیه، اما مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ فلا تشرع الصلاة علیه بعد دفنه.

* یکره إنفاذ الأحكام (فی المساجد) إمّا مطلقاً أو مخصوص بما یكون الجلوس فيه لأجلها، لا بما إذا كان لأجل العبادة فاتّفت الدعوی، لما فی إنفاذها حیثنذ من المسارعة المأمور بها. ۱۷۶

۴. أ. مقصود از عبارت «إنفاذ الأحكام» چیست؟ ب. عبارت «لما فی إنفاذها...» دلیل بر چیست؟ وجه دلالت آن را توضیح دهید.

أ. «إنفاذ الأحكام» یعنی قضاوت کردن، گرچه اصل معنای «انفاذ» اجراء حکم و حدّ می‌باشد و لکن مراد در اینجا خود قضاوت می‌باشد.
ب. عبارت «لما فی انفاذها» دلیل عدم کراهتی است که از جمله «لا بما اذا كان...» استفاده می‌شود - وجه دلالت این است که در صورتی که قاضی به جهت عبادت در مسجد جلوس کرده و لکن اتفاقاً مرافعه‌ای واقع شده بود و به او رجوع کردند در اینجا کراهت، منتفی است؛ چون این قضاوت یک نوع شتاب به آمرزش گناه است که به این شتاب، امر شده است.

* و تبطل الصلاة بترك أحد الأركان الخمسة و لو سهواً. و هی النیّة ... و السجدتان معاً، أمّا إحداهما فلیست رکناً علی المشهور، مع أنّ الرکن بهما یكون مرکباً و هو یتدعی فواته بفواتها. و اعتذار المصنّف فی الذکری بـ - أنّ الرکن مسمّی السجود، و لا یتحقّق الإخلال به إلّا بتركهما معاً - خروج عن المتنازع فيه؛ لموافقته علی کونهما معاً هو الرکن، و هو یتلزم الفوات بإحداهما، فکیف یدعی أنّه مسمّاه، و مع ذلك یتلزم بطلانها بزيادة سجدة واحدة؛ لتحقّق المسمّی، و لا قائل به. ۲۳۳

۵. أ. کلام شهید در «ذکری» ناظر به دفع چه اشکالی است؟ ب. توجیه شهید اول و اشکال شهید ثانی بر آن را توضیح دهید.

أ. مراد همان اشکال است که شارح گرفته به قول مشهور در تحت عنوان «مع أنّ الرکن بهما...» فرموده اگر مجموع دو سجده رکن باشد، پس رکن مرکب می‌شود از دو سجده، فلذا اگر یک سجده سهواً ترک شود باید نماز باطل باشد زیرا «المرکّب یتنفی بانتفاء أحد أجزائه». ب. شهید اول در ذکری از این اشکال عذر آورده است و جواب داده است که رکن، مسمّای سجود است، یعنی آن امر کلی از سجود که به یک سجده هم تحقّق پیدا می‌کند پس با ترک یک سجده سهو، رکن منتفی نمی‌شود. شارح دو اشکال گرفته: ۱. این جواب مصنف خروج از محلّ بحث می‌باشد چون مصنف در کتاب «ذکری» مثل مشهور رکن را مجموع دو سجده قرار داده نه «مسمّای سجود» پس اشکال باقیست ۲. اگر مسمّای سجود رکن باشد باید اضافه کردن یک سجده نماز را باطل کند چون مسمّای سجود اضافه شده است.

۶. عبارت «لا حکم لسهو الإمام مع حفظ المأموم و بالعکس» را با ذکر مثال، توضیح دهید. ۲۸۲/۱

مراد از سهو در عبارت، شک است؛ یعنی حکمی نیست برای شک امام جماعت با خاطر داشتن مأموم شماره رکعات را مثلاً امام شک کند که سه رکعت کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت و مأموم می‌داند که چهار رکعت خوانده در اینجا با ذکر تسبیح و یا با تکبیر مثلاً به امام بفهماند و بالعکس یعنی مأموم شک کند در عدد رکعات و امام عدد رکعات را بداند در این صورت باز حکمی برای شک مأموم نیست؛ یعنی نماز احتیاط لازم نمی‌باشد.

* یراعی فی القضاء الترتیب بحسب الفوات و لو جهل الترتیب سقط فی الأجود؛ لأنّ الناس فی سعة مما لم یعلموا و لاستلزام فعله بتکریر الفرائض علی وجه یحصله الحرج و العسر المنفیین فی کثیر من موارد، و سهولته فی بعض یتلزم ایجابیه فیہ إحداث قول ثالث. ۲۸۷- ۲۸۶/۱
۷. وجه استدلال به «الناس فی سعة مما لم یعلموا» و عبارت «سهولته فی بعض یتلزم ایجابیه فیہ احداث قول ثالث» را توضیح دهید.

۱. یعنی مردم نسبت به آنچه که نمی‌دانند تکلیفی ندارند و فرض این است که در اینجا علم به ترتیب وجود ندارد بنابراین نسبت به آن تکلیفی نخواهد بود ۲. این جواب از سؤال مقدر است بیانش این است که وجوب احراز ترتیب به واسطه تکرار کردن فرائض موجب عسر و حرج است، اشکال می‌شود: این عسر و حرج در همه جا نیست مثل جایی که فقط دو نماز قضا باشد بنابراین در این موارد می‌شود حکم به تکریر کرد، جواب این است که این تفصیل خرق اجماع مرکب و ایجاد قول سومی است که قائلی ندارد.

* لا زكاة على الممنوع من التصرف في أصل المال شرعاً، كالأهمن غير المتمكّن من فكّه و لو ببيعه، و ناذر الصدقة بعينه مطلقاً أو مشروطاً و إن لم يحصل شرطه على قول، و الموقوف عليه بالنسبة إلى الأصل، أمّا النتائج فيزكي بشرطه، أو قهراً كالمغصوب و المسروق و المجحود إذا لم يمكن تخليصه و لو ببعضه، فيجب فيما زاد على الفداء، أو بالاستعانة و لو بظالم، أو لغيبته بضلال، أو إرث لم يقبض و لو بوكيله. ۳۳۲/۱

۸. از موارد عدم وجوب زکات «ناذر الصدقة بعينه مطلقاً أو مشروطاً و إن لم يحصل شرطه» و هم چنین دو عبارت «أمّا النتائج فيزكي بشرطه» و «فيجب فيما زاد على الفداء» را به طور کامل توضیح دهید.

۱. اگر کسی مالش را نذر کرده باشد بر آن زکات تعلق نمی‌گیرد و فرقی نمی‌کند این که نذرش مطلق بوده باشد یا مشروط به تحقق امری بوده باشد و در صورت مشروط بودن، فرقی نمی‌کند که شرط حاصل شده باشد یا نه ۲. یعنی نسبت به اصل موقوف، زکات تعلق نمی‌گیرد ولی نسبت به ثمره و فوایدی که از آن حاصل می‌شود در صورت جمع بودن شرایط وجوب زکات، زکات به آن تعلق می‌گیرد ۳. یعنی اگر برای رهایی مالش مثلاً از دست غاصب، مقداری از آن را به غاصب، فدیة داد تا بقیة مالش آزاد شود زکات به بقیة مال تعلق می‌گیرد.

۹. حکم موارد زیر را در مال حلال مختلط به حرام بنویسید. ۳۶۹/۱

أ. إذا لا يتميّز و لا يعلم صاحبه و لا قدره بوجه

ب. إذا تميّز الحرام و علم صاحبه و لو في جملة قوم منحصرين

ج. لو علم قدر الحرام كالربع و الثلث دون صاحبه

أ. وجب اخراج خمسة ب. لا بدّ من التخلّص منه و لو بصلح ج. وجب اخراجه اجمع صدقة لا خمساً.